

به نام خداوند بخشنده و مهربان

افسان خودباخته (۱)

۵۵ داستان و روایت درباره‌ی حسادت، بخل، دروغ، غرور و تکبر

تدوین: عباس رمضانی

انتشارات کتاب تارا

سرشناسه: رمضانی، عباس، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور: انسان خودباخته (۱): داستان و روایت درباره ی

حادثه بخت، دروغ، غرور و تکبر / تدوین: عباس رمضانی

مشخصات نشر: تهران: کتاب تارا، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۰-۷-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابخانه.

موضوع: داستان های اخلاقی - قرن ۱۴.

موضوع: داستان های مذهبی - قرن ۱۴.

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۰ الف ۸ و ۲۴۹/۵/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۲۹۹۱۹



انتشارات کتاب تارا

تهران، صندوق پستی: ۱۱۴-۱۷۱۸۵، تلفن: ۷۷۵۱۵۷۴۱ و ۹۱۲۶۱۱۱۵۱۴

www.tiregan.persianbook.net

انسان خودباخته (۱)

داستان و روایت درباره ی حادثه، بخت، دروغ و غرور و تکبر

تدوین: عباس رمضانی

لیتوگرافی صدف • چاپ خانه گلرنگ • صحافی حمید

طراح جلد: فروغ بیژن

نوبت چاپ نخست ۱۳۹۰ • شمارگان ۲۰۰۰ نسخه

قیمت ۲۰۰۰ تومان • شماره نشر ۱۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۷۴۰-۷-۲

© حق چاپ: ۱۳۹۰، انتشارات کتاب تارا

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۱	بخش اول: حسادت
۱۱	۱. زود مرا راحت کن.
۱۵	۲. به حق می‌کوشیم.
۱۶	۳. بی‌ایمان از دنیا رفتم.
۱۷	۴. خبر آن‌ها از روی حسادت است.
۱۸	۵. شرّ خواجه را گندم.
۱۹	۶. عمل تو چیست؟
۲۱	۷. آتش حسد
۲۲	۸. آرزوی دست نیافتنی.
۲۳	۹. به یکدیگر حسد نورزید.
۲۴	۱۰. همان خارکن سابق هستی.
۲۶	۱۱. مداوای پزشکان مؤثر نشد.
۲۷	۱۲. حسد کار خود را کرد.
۳۰	۱۳. حسود روی آسایش نبیند.
۳۱	بخش دوم: بغل
۳۱	۱۴. چشم به راه گشایش خدا.
۳۲	۱۵. مواظظ دهگانه.

۳۳	۱۶. نان به اندازه در، یا در به اندازه نان
۳۳	۱۷. از بخیل، بخیل تر
۳۴	۱۸. دوستی با بخیل ممنوع
۳۴	۱۹. از بخل بیرهیز
۳۵	۲۰. از من دور شو
۳۷	۲۱. در کار خود فرو ماند
۴۰	۲۲. آرزوی بخیلان
۴۱	۲۳. انسان گوشت
۴۳	۲۴. از این بهتر نمی شد
۴۴	۲۵. مرا از بخل و فرومایگی بازدار
۴۴	۲۶. عفت بلا برای بخیل
۴۵	۲۷. ثروت سودی بخشید
۴۷	۲۸. ثروتمند بخیل
۴۸	۲۹. بخیل تر از همه
۵۰	بخش سوم: دروغ
۵۰	۳۰. ظرف را باز کن
۵۲	۳۱. دور را نزدیک و نزدیک را دور می کند
۵۳	۳۲. علم اولین و آخرین
۵۴	۳۳. در حفظ زبان بکوش
۵۵	۳۴. از این نردبان پائین برو
۵۷	۳۵. ظرف خالی از جوجه
۵۹	۳۶. در امتحان الهی قبول شدی
۶۲	۳۷. عذاب کذاب و دروغ گو
۶۲	۳۸. ترس از خدا
۶۳	۳۹. هم نشینی ممنوع
۶۴	۴۰. دروغ را ترک کن

فهرست ۵

۶۵	بخش چهارم: غرور و تکبر
۶۵	۴۱. دیوانه حقیقی
۶۵	۴۲. زودودن زیبایی چهره‌ها
۶۶	۴۳. تکبر ورزیدم
۶۷	۴۴. خدا متکبران را دوست ندارد
۶۸	۴۵. به سود خدا و رسولش
۶۸	۴۶. ثروتمند متکبر
۶۹	۴۷. جایگاه متکبران
۷۰	۴۸. خودبینی و غرور اسب
۷۱	۴۹. مرا دریاب
۷۳	۵۰. می‌ترسم مغرور شوم
۷۴	۵۱. کوتاهی در عمل
۷۴	۵۲. رانده درگاه الهی
۷۵	۵۳. ارزش سلطنت
۷۶	۵۴. دریای غرور و تکبر
۷۷	۵۵. تفکر متکبرانه
۷۹	کتاب‌نما

مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی برای خوشبختی و سربلندی انسان برنامه کاملی دارد. به استناد آیات روح بخش قرآن کریم، خداوند متعال انسان را به بهترین وجه آفرید و نعمت های فراوانی برای رشد و تعالی او منظور کرد تا با بهره گیری از آنها در صراط مستقیم گام بردارد و ضمن عبادت و بندگی حق تعالی، خدمت به بندگان خدا و تلاش برای خودسازی، تزکیه و تذهیب نفس بکوشد و خود را با ارزش ها، سجایای اخلاقی، انسانی و اسلامی بیاراید و به عبارت دیگر خود ساخته شود.

رفتار، اخلاق و اعمال همه ی انسان ها در قالب دو جهت و اساس رقم خواهد خورد. معروف است که آن چه از عملکرد هر فردی بارز، ملموس و در اذهان دیگران باقی می ماند و بدون تردید در پرونده ی اعمال وی ثبت و ضبط می شود و در زندگی این دنیا و جهان آخرتش تأثیرگذار می باشد، نیکی و بدی است. بنده ی شایسته ی خدا در همه جا و همه ی زمان ها، خدا را ناظر اعمال خویش می داند و نه تنها به طرف هیچ گناه و معصیتی روی نمی آورد، بلکه همه ی تلاش خود را صرف انجام واجبات و مستحبات دینی می کند تا در روز حساب از پرونده ی اعمالش به نیکی یاد شود.

در مقابل انسان های خود ساخته افرادی نیز هستند که از راه درست زندگی منحرف می شوند و به دلیل دل سپردن به هواهای نفسانی، استقبال از

و سوسه‌های شیطانی، توجه به آرزوهای طولانی و دنیایی، پشت‌پازدن به اخلاق و آرمان‌های انسانی، ورود به عرصه‌های پوچ‌گرایی، قدم گذاشتن به صحنه‌های لابی‌گری و در یک کلام، نادیده پنداشتن احکام نورانی قرآن و اسلام و حرکت نکردن در راه روشن و سعادت‌بخش ائمه معصومین علیهم‌السلام، به راه خطا می‌روند و به عبارت دیگر «خود باخته» می‌شوند.

«انسان خود باخته» صفات و ویژگی‌های زشت و فراوانی دارد و در این کتاب که جلد اول «انسان خود باخته» می‌باشد، با بهره‌گیری از متون دینی، داستان‌ها و روایت‌های کوتاهی درباره‌ی تعدادی از خصوصیات این‌گونه انسان‌ها مطرح شده است.

«حسادت» عنوان بخشی اول کتاب است. گاهی انسان با کار و کوشش آرزو می‌کند تا خود را به نعمت‌ها، فضیلت‌ها و برتری‌هایی که در فرد دیگر هست، برساند. وی می‌کوشد تا چنانچه خوش اخلاق است، خوش خط است؛ در اثر کسب روزی حلال از امکانات خاص برخوردار است؛ او نیز خود را بر همان پایه و اساس برساند. چنین تلاش و آرزو و قصدی که می‌توان از آن تحت عنوان «غبطه» نام برد، نه تنها بد نیست، بلکه سبب رشد و پیشرفت و تعالی انسان می‌شود. حتی خداوند تعالی در قرآن فرموده است: «وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتِنَا فِى الْمُتَنَابِئِينَ» و در آن (رسیدن به نعمت‌ها و درجات عالی بهشتی) باید بکوشند و بریکدیگر سبقت بگیرند.^۱

اما گاهی ممکن است فردی از برتری، نعمت‌ها و امکاناتی که در اختیار کسی هست ناراحت بشود و حتی آرزوی نابودی آن‌ها را داشته باشد، که ویژگی بسیار پلیدی است و از آن تحت عنوان «حسد» نام برده می‌شود و بنا به فرموده‌ی خدای بزرگ و مهربان از شر حسود باید به خدا پناه برد، «مِنْ شَرِّ

حَاسِدٍ إِذَا أَحْسَدَ»^۱، حسود همیشه ناکام می ماند و روز به روز از فضایل و مکارم اخلاقی فاصله می گیرد و هیچ گاه از آرامش و آسایش برخوردار نیست. در بخش دوم به مسئله ی «بخل» پرداخته شده است. درباره ی زشتی و مذمت این صفت ناپسند، آیات و روایات بسیاری وجود دارد. به عنوان نمونه خدا در قرآن می فرماید:

کسانی که درباره ی نعمت هایی که خدا از فضل و کرم خویش به آنها داده، بخل می ورزیده نپندارند که این کار برای آنان خیر است، بلکه مایه ی شر می شود و در قیامت آن چه را بخل کرده اند، طوق گردنشان می شود.^۲

به استناد احادیث و روایات موجود، حضرت علی (ع)، بخل را محل تجمع همه ی عیب های زشت و مذموم ترین اخلاق دانسته و فرموده اند:

«الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَهُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ؛ بخل گرد آوزنده ی همه ی عیب های زشت و افساری است که انسان را به هر کار بدی می کشاند.»^۳، همچنین آن حضرت می فرماید: «الْبُخْلُ أَذْمُ الْأَخْلَاقِ؛ بخل مذموم ترین اخلاق است.»^۴

انسان باید در راستای تحقق و اجرای ارزش ها و اهداف و احکام نورانی اسلام، همراهی و همکاری با همه ی مردم را سرلوحه ی اقدامات خویش قرار دهد، مال و ثروت خود را به صورت برنامه ریزی شده و حساب شده در انجام کارهای خیر و همگانی مصرف کند و برای دستگیری از محرومان و مستمندان و حفظ حیثیت و آبروی مردم بخل نورزد و لحظه ای غفلت نکند. در بخش سوم، روایت ها و داستان های کوتاه در موضوع «دروغ» آمده است، صفت زشتی که از گناهان بزرگ محسوب می شود و منشأ خطاهای

۱. سوره فلق، آیه ۶.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۰.

۳. م ۶، ص ۴۰ و ۴۱.

۴. همان.

دیگر می‌باشد. شخص دروغ‌گو با انگیزه‌های گوناگونی دروغ می‌گوید که دشمنی، کینه‌توزی، توجه به مال و ثروت، حُب مقام، برخورداری از غرور و تکبر، مسلط نبودن به هواهای نفسانی و مزاح و شوخی، بخشی از این انگیزه‌های خطرناک است.

کسی که دروغ می‌گوید مورد لعن خدا قرار می‌گیرد. در قرآن آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛ به راستی لعنت خدا بر او باشد، چنان چه از دروغ‌گویان است.»^۱

رحمت و لطف الهی هرگز شامل حال انسان دروغ‌گو نمی‌شود و چنین فردی پایگاه اجتماعی خود را در خانواده، محل کار و جامعه از دست می‌دهد. به عبارت دیگر تنها می‌ماند و در فراز و نشیب‌های زندگی، کسی به او توجهی نمی‌کند و همه به وی بی‌اعتماد خواهند شد.

«غرور و تکبر» بیماری دیگری است که گریبان انسان خود باخته را می‌گیرد. این موضوع که در بخش چهارم و پایانی این کتاب آمده است، آثار زیان بار و خطرناکی را برای شخص متکبر به همراه دارد که می‌توان احساس حقارت، خودبینی، طغیان، سرکش و خورد بزرگ‌بینی اشاره کرد. «لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُنْوَا كَبِيرًا؛ ایشان در باطن به استکبار و خودبینی مبتلا گشتند، راه خودسری در پیش گرفتند و به طغیانی بزرگ دست زدند.»^۲ همچنین در قرآن درباره‌ی غرور و تکبر آمده است که: «وقتی آیات حق بروی تلاوت می‌شود، با استکبار روی می‌گرداند، آن چنان که گویی آیه را نشنیده و گوشش به بیماری ناشنوایی مبتلا است، تو او را از عذاب دردناکی که در پیش دارد، آگاه ساز.»^۳

عباس رمضانی

۱. سوره نور، آیه ۷.

۲. سوره فرقان، آیه ۲۱.

۳. سوره لقمان، آیه ۷.